



شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

نظریه دوران پردازش

محورها:

۱. مقدمه

۲. جایگاه دوران پردازش در افق نمایی الگوی پیشرفت اسلامی

۳. تعریف دوران پردازش

۴. تصویری از چگونگی دوران پردازش

۵. تصمیماتی برای تحقق دوران پردازش

[جزوه تولد نظریه]

اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارائه بحث: حجت الاسلام علی کشوری

در نشست تخصصی بررسی نظریه دوران پردازش

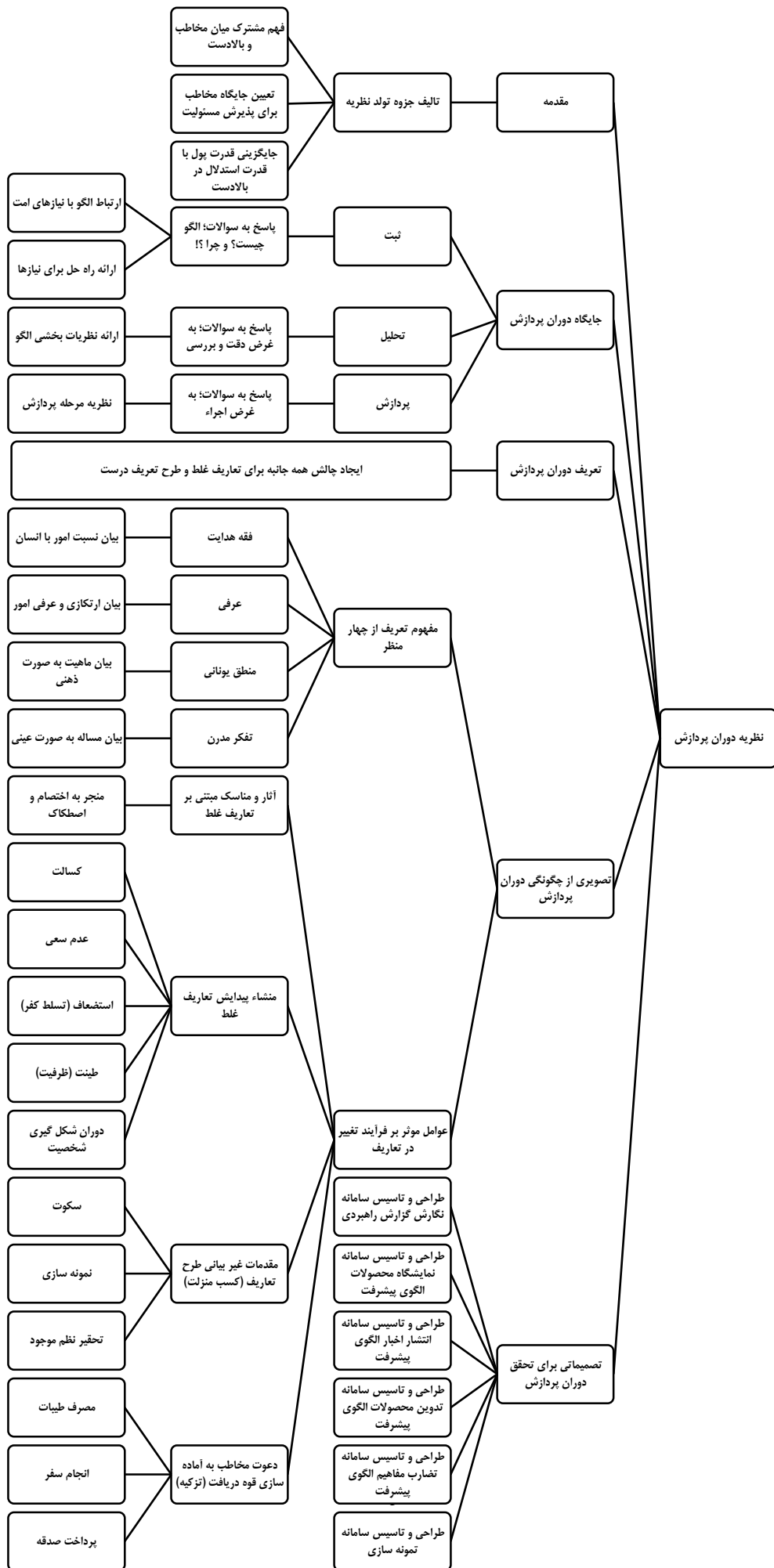
تقریر: محمد جواد مسعودی نیا

اول و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

قم؛ مرکز علوم اهل بیت علیهم السلام

فهرست اجمالی

۱. مقدمه ۵
- تالیف جزوه تولد نظریه..... ۵
۲. جایگاه دوران پردازش در افق نمایی الگوی پیشرفت اسلامی..... ۶
- دوران ثبت..... ۶
- دوران تحلیل..... ۶
- دوران پردازش..... ۶
۳. تعریف دوران پردازش..... ۷
- ایجاد چالش همه جانبه برای تعاریف غلط و طرح تعریف درست..... ۷
۴. تصویری از چگونگی دوران پردازش ۷
- مفهوم تعریف از چهار منظر..... ۷
- عوامل موثر بر فرآیند تغییر در تعاریف..... ۹
۵. تصمیماتی برای تحقق دوران پردازش ۱۲
- طراحی و تاسیس سامانه نگارش گزارش راهبردی..... ۱۲
- طراحی و تاسیس سامانه نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت..... ۱۳
- طراحی و تاسیس سامانه انتشار اخبار الگوی پیشرفت..... ۱۳
- طراحی و تاسیس سامانه تدوین محصولات الگوی پیشرفت..... ۱۴
- طراحی و تاسیس سامانه تضارب مفاهیم الگوی پیشرفت..... ۱۴
- طراحی و تاسیس سامانه نمونه سازی..... ۱۴



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱. مقدمه

در "اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی" ^۱ به دلیل حاکم بودن "نظم اختیاری" ^۲، هیچ گاه از اساسنامه، آئین نامه های اجرایی، ابلاغیه و بخشنامه برای پیشبرد اهداف و توجیه نیروهای عمل کننده استفاده نمی شود. در حقیقت تدبر ما در الگو آن است که بدون تحمیل قدرت و استفاده از پول و ثروت برای استخدام افراد، فقط با تحریک فکر ایشان را موجب به اقدام و انجام عملیات نماییم.

تالیف جزوه تولد نظریه

در واقع اصل در این الگو استدلال و تحریک فکر است لذا افراد در هر سطحی برای توجیه مخاطبین مستعد خود که مصمم به اجرای نمودن الگو هستند؛ اول ارائه بحث نموده و سپس مخاطب مذکور با نگارش "جزوه تولد نظریه" ^۳، آماده اقدام و اجرای عملیات می شود.

۱. در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با نگاهی فقهی و غیر اقتباسی از الگوهای معیوب و ناکارآمد غربی به بیش از ۱۰۰ مسئله در حوزه های مختلف معیشتی، تربیتی، پیش گیری از جرم، قانون گذاری، سیاسی، معرفت شناسی، پولی و مالی، کشاورزی، طب، شاخص های ارزیابی جامعه، محرومیت زدائی، مدیریت شهری، برنامه ریزی، بودجه، ساخت یابی، الگوی تخصیص تکنولوژی، الگوی مطالعات تاریخی، الگوی جدید نگرانی از نظام، الگوی تنظیم و تحلیل خبر و... پاسخ گفته ایم / نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی مسیر تحقق آرمان های انقلاب اسلامی را توریزه می کند...

[پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

۲. از منظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بدون توجه به امر هدایت نمی توان تصویری درست از چگونگی اداره جامعه بر اساس اسلام داشت. از منظر اسلام اداره جامعه هدایت بنیان است و باید در مقام برنامه ریزی تاثیر همه حوزه ها بر امر هدایت و تاثیر هدایت بر همه حوزه ها توسط کارشناسان بررسی شود. اگر جایگاه و فرآیند هدایت را در تحلیل های خود بررسی نکنیم؛ به دلیل اینکه در همه بخشها انسان ها تصمیم می گیرند؛ مجبور می شویم از ابزارها و مکانیزم های جبری برای هماهنگی و اداره بخشهای مختلف جامعه استفاده نماییم.

به عبارت بهتر با توجه به ضرورت و جایگاه هماهنگی بخشی وکلان در هر جامعه ای دو نوع روش برای هماهنگی و ایجاد نظم تصویر می شود: نوع اول هماهنگی؛ هماهنگی جبری و بدون توجه به اختیار افراد است و نوع دوم هماهنگی، هماهنگی هدایت بنیان و ایجاد نظم اختیاری در بخش های مختلف و در کلان جامعه است. [پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم چگونه تدوین شد؟]

۳. جزوه تولد نظریه با در نظر گرفتن سه مورد اساسی زیر توسط مخاطب مصمم تدوین می شود:
اول؛ مخاطب با درک درست از نظام سوالات و ساختار کلی بحث با محوریت نمودار پژوهشی؛ تدوین جزوه را با پایه سوال آغاز و با شرح مساله، متن خود را به سمت رکن سوال هدایت می کند.

دوم؛ حفظ اصطلاحات توقیفی (مانند: صوم و صلاه) و اصطلاحات وضعی توسط فقیه (مانند: سود ارتباطی و الگوی ساخت) که در تضارب و گفتگوها آمده است.

سوم؛ متن تضارب و گفتگوها با درج ارجاعات؛ تکمیل و عمق بخشی شده، منزلت متن ارتقاء پیدا کرده و سبب مطرح شدن یا الگو پردازی شخصی یا مطلبی در حاشیه ی متن اصلی می شود.

جزوه تولد نظریه با رعایت سه مورد فوق توسط شخص مخاطب و با بیان خود او نوشته شده و بهترین جایگزین برای ابلاغیه ها، بخشنامه ها و آیین نامه های نظیر در نظام های عینی و ساختاری است.

از محاسن تدوین و نگارش این جزوه موارد زیر است:

اول؛ فهم مشترک از عملیات و ارتقای دقت لازم برای اقدام توسط مخاطب ایجاد می شود.
دوم؛ در تدوین، تقریر و نگارش، مخاطب اختبار شده و منزلت او مشخص می شود. یعنی جایگاه مخاطب برای پذیرفتن مسئولیت توسط بالادست احراز می گردد.
سوم؛ مخاطب فقط به دلیل مجاب شدن از استدلال بالادست، سخن او را عملیاتی می کند، نه به دلیل مقام و منسب او. یعنی پایان قدرت یافتن بالادست به سبب مقام، منزلت، امکانات مادی و ثروت و جایگزینی قدرت استدلال و علم در بالادست.

۲. جایگاه دوران پردازش در افق نمایی^۴ الگوی پیشرفت اسلامی

دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی پس از دوران ثبت و دوران تحلیل این الگو شکل می گیرد و مقدمه تحقق عملی نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است.

دوران ثبت

اولین دوره الگوی پیشرفت اسلامی، دوران ثبت است. در این دوران ما با این پرسش ها رو به رو هستیم که "الگو چیست؟ و چرا؟!"; و چون جنس پاسخ ها مرتبط با نیازهای امت اسلامی و در نهایت راه حلی برای آن نیازها می باشد، به خودی خود الگو در ذهن اجتماع ثبت شده و دوران بعدی شکل می گیرد.

دوران تحلیل

دومین دوره در الگوی پیشرفت اسلامی دوران تحلیل است. در این دوران ما با پرسش هایی روبه رو هستیم که به غرض دقت و بررسی مطرح شده و نشانگر این مطلب است که اصل نیاز به الگو در ضمیر مخاطب ثبت گردیده و او در مقام تحلیل سعی می کند بیشتر با زوایای الگو آشنا شود. ارائه نظریات بخشی الگو در قالب جلسات تضارب و گفتگو و دوره های بحثی گوناگون، تلاشی برای نیل به این مقصود است.

دوران پردازش

سومین دوره در الگوی پیشرفت اسلامی دوران پردازش است. در این دوران ما با پرسش هایی روبه رو هستیم که به غرض اجرا و اقدامات عملی برای تحقق الگو مطرح شده و نشانگر این مطلب است که ما دوران تحلیل را پشت سر گذاشته و وارد مرحله یا دوران پردازش می شویم. ارائه نظریه "دوران پردازش" برای توصیف این مرحله از مراحل سه گانه الگوی پیشرفت اسلامی است.

۴. خلاصه ای از مباحث "افق نمایی برای الگوی پیشرفت اسلامی" در سخنرانی افتتاحیه "چهارمین نشست هم اندیشی الگوی پیشرفت اسلامی" تبیین شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه، "چهارمین نشست هم اندیشی الگوی پیشرفت اسلامی" در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۲ در شهر مقدس قم برگزار و در نشست افتتاحیه آن "پیشینه، حال و آینده" فعالیت های منتهی به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی - در قالب بحث "افق نمایی برای الگوی پیشرفت اسلامی" - بررسی گردید. مبتنی بر مفاهیم افق نمایی؛ لازم است تا فعالیت های منتهی به الگوی پیشرفت اسلامی در سه مرحله ۱- "پژوهش برای الگوی پیشرفت اسلامی"، ۲- "پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" و ۳- "پردازش الگوی پیشرفت اسلامی" برنامه ریزی شود. بر اساس این گزارش شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با احتساب مطالعات ۱۵ ساله در موضوع انقلاب اسلامی و دستیابی به معادله "پردازش موضوعات جهت ساز" از مرحله پژوهش برای الگوی پیشرفت اسلامی عبور نموده و در حال حاضر فعالیت های خود را بر اساس الزامات مرحله پرورش الگوی پیشرفت اسلامی پی گیری می نماید. در مرحله "پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" دستیابی به سه هدف ۱- گسترش گفتنمان الگوی پیشرفت اسلامی در کشور ۲- "ایجاد ساختارهای متکفل الگو در ضمیمه ساختارهای فعلی" و ۳- "تربیت کارشناس برای الگوی پیشرفت اسلامی" موضوع فعالیت ها محسوب می شود. لازم به ذکر است که بعد از تحقق نسبی اهداف مرحله "پرورش الگوی پیشرفت اسلامی" فعالیت های منتهی به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی در مرحله "پردازش الگوی پیشرفت اسلامی" قرار می گیرد. [پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

۳. تعریف دوران پردازش

با این مقدمه از جایگاه دوران پردازش، تعریف پردازش از منظر فقه هدایت به این صورت است:

ایجاد چالش همه جانبه برای تعاریف غلط و طرح تعریف درست

حال با توجه به تعریف فوق از پردازش لازم به ذکر است برای ایجاد چالش در تعاریف غلط و تغییر در آن می بایست ملاحظاتی را در نظر داشت تا فرآیند تحقق دوران پردازش به نحو احسن طی شود. این ملاحظات، تصویری از دوران پردازش را در ذهن ما روشن می سازد.

۴. تصویری از چگونگی دوران پردازش

شاید قبل از پرداختن به تعریف پردازش، می بایست منظر خود را در ارائه تعریف مشخص نموده و مفهوم تعریف را بیان می کردیم. در زمان ما تعاریف از چهار منظر؛ فقهی، عرفی، یونانی و مدرن، مطرح می شود. حال باید به این پرسش پاسخ داد که در هر منظر، مفهوم تعریف چیست و هر امری چگونه بیان می شود.

مفهوم تعریف از چهار منظر

تعاریف در فقه هدایت

مفهوم تعریف از منظر "فقه هدایت"^۵ بیان نسبت امور با انسان است. در واقع اصل در فقه هدایت روابط انسانی است و حتی تعاریف با شاخص نسبیّت هر امری با انسان ارزیابی و بیان می شوند.^۶

۵. تشریح فقه هدایت در بیان حجت السلام علی کشوری:

در مجموع با استتضاه به آیات و روایات سه دسته مباحثات پیچیده فقهی را مطرح کرده ایم: دسته اول مباحثات، "فقه الحیاة" نام دارد. در "فقه الحیاة" ۱۲ گونه بحث مرتبط با خلقت را مباحثه می کنیم؛ یکی از آنها مراحل خلقت در عالم است. یکی دیگر از این مباحث بررسی کیفیت خلق مخلوقات جدید به صورت مستمر است و مطالب دیگر...

دسته دوم مباحثات، "فقه التقدیر" نام دارد. در "فقه التقدیر" دوازده گونه بحث مرتبط با تقدیر و اعطاء توسط مقام ربوبی را مباحثه می کنیم؛ یکی از این مباحثات بررسی استظهاری حکمت تقدیر ظرفیت های مختلف در عالم است. و البته مطالب جذاب دیگر....

دسته سوم مباحثات، فقه النظام نام دارد. در فقه النظام ۹ دسته بحث مرتبط با نظام سازی را شامل: ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه البیان، ۵- فقه المکاسب، ۶- فقه الفرقان، ۷- فقه النظم، ۸- فقه العبرة و ۹- فقه نفی سبیل را مباحثه می کنیم.

وقتی سخن از مکتب فقهی هدایت به میان می آید؛ مرادمان این دسته بندی فقهی گسترده + ارائه راه حل برای مدیریت عدم توازن های مرتبط با هر بخش است. (قم - ۲۰ بهمن ۱۳۹۷) [پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

۶. أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (الأعراف، ۶۸) پیام های پروردگرم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی آمینم.

تعاریف عرفی

مفهوم تعریف از منظر عرف معمولاً ارتكازی و برخواسته از فهم شخصی افراد یا مبتنی بر گرایش های محلی و قومی است. این تعاریف به طور معمول مورد مباحثه نظری قرار نمی گیرد و غیر قابل اتكاء است.^۷

تعاریف در منطق یونانی

در این منظر، مفهوم تعریف بر مبنای منطق یونانی یا صوری شکل می پذیرد. لذا از این منظر سعی می شود تعاریف از امور گوناگون با بیان ماهیت مطرح شود. این تعاریف انتزاعی و ذهنی است.^۸

تعاریف در تفکر مدرن

در این منظر، مفهوم تعریف بر مبنای تفکر مدرن یا سیستمی^۹ شکل می پذیرد. لذا از این منظر سعی می شود تعاریف از امور گوناگون با بیان مسائل عینی مطرح شود. این بیان مسائل متکی به روش های تجربی است. مانند تعریف علم اقتصاد با رویکرد تجربی و پوزیتیویستی؛ "تخصیص منابع محدود برای رفع نیازهای نامحدود"^{۱۰}.

حال برای تغییر در تعاریف، عواملی موثر بر فرآیند تغییر در تعاریف وجود دارد که در بخش بعدی با آن آشنا می شویم.

۷. و إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (المائدة، ۱۰۴) و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته باشند [باز هم این تقلید جاهلانه و ناروا را بر خود می پسندند؟!]

۸. الحد قول دال علی ماهیة الشيء؛ [شرح الإشارات و التنبیها (مع المحاکمات) جلد: ۱ صفحه: ۹۵] تعریف؛ گفته ای است که دلالت بر ماهیت اشياء دارد. (برای بررسی بیشتر به پیوست اول مراجعه کنید.)

۹. تفکر سیستمی چیست؟ سیستم به مجموعه ای از عناصر گفته می شود که برای تولید رفتاری خاص با هم به تعامل می پردازند. تفکر سیستمی بخشی از حوزه ی پویایی شناسی سیستم است که در سال ۱۹۵۶ توسط جی فارستر (Jay Forrester)، استاد دانشگاه ام آی تی (MIT) بنیان نهاده شد. فارستر بی برد که برای آزمون ایده های جدید سیستم های اجتماعی، به روشی بهتر و مشابه با روش آزمون ایده های مهندسی نیاز است. تفکر سیستمی این امکان را فراهم می کند تا شناخت دقیقی از سیستم های اجتماعی و بهبود آنها به دست آوریم.

رویکرد تفکر سیستمی به طور بنیادین با روش های تحلیلی سنتی فرق می کند. روش های تحلیل سنتی، بر تفکیک سیستم به اجزای قابل مطالعه متمرکز بود، در واقع ریشه ی کلمه ی انگلیسی تحلیل یعنی Analysis، به معنای شکستن اجزای تشکیل دهنده است. در مقابل، تفکر سیستمی بر این متمرکز است که چطور موضوع مورد مطالعه با سایر اجزای سیستم در تعامل است. این بدان معنی است که به جای اینکه اجزای کوچک تر سیستم به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرند، تفکر سیستمی چشم انداز خود را گسترش می دهد تا تعداد تعاملات بیشتری را در نظر بگیرد. بنابراین، نتایج حاصل از تفکر سیستمی، چیزی کاملاً متفاوت از نتایج به دست آمده از روش های تحلیل سنتی است؛ به خصوص زمانی که مسئله ی مورد مطالعه از نظر ساز و کار و پویایی پیچیده باشد یا بازخوردهای فراوانی از عناصر داخل یا خارج سیستم بر آن تأثیر بگذارند.

ویژگی های تفکر سیستمی باعث شده است تا دشوارترین نوع از مسائل به روشی اثربخش تر حل شوند. تفکر سیستمی به تحلیل مسائلی که موضوعات پیچیده ای دارند، مسائلی که به شدت به گذشته و عوامل متعددی وابسته هستند و مسائلی که ریشه در هماهنگی های نامؤثر عناصر درگیر دارند، می پردازد. حوزه هایی که تفکر سیستمی توانسته است ارزش خود را به اثبات برساند، عبارتند از:

مسائل پیچیده ای که دارای بازیگران زیادی است و نیاز به مشاهده ی تصویری بزرگ از مسئله دارد؛

مسائل تکرار شونده یا مسائلی که به مرور زمان با انجام اقدامات اصلاحی رو به وخامت می گذارند؛

موضوعاتی که یک اقدام بر محیط کلی موضوع، چه محیط طبیعی چه محیط رقابتی، تأثیر می گذارد (یا از آن تأثیر می پذیرد)؛

مسائلی که راه حل های آن آشکار نیستند؛

۱۰. لاینل رابینز (Lionel Robbins) علم اقتصاد را تخصیص منابع و عوامل تولید کمیاب به منظور تولید کالاها و خدماتی می داند که مهمترین خواسته های مادی بشر را ارضا می کند.

لودویگ وان می زز (Ludwig Von Mises) علم اقتصاد را منطقی برای اتخاذ تصمیمات عقلایی با در نظر گرفتن محدودیت های مختلف معرفی می نماید.

عوامل موثر بر فرآیند تغییر در تعاریف

اول؛ آثار و مناسک مبتنی بر تعاریف غلط

به طور معمول تعاریف غلط از آثار و مناسک مبتنی بر آن روشن و هویدا می شود. اما مسیر تحقق این مناسک و اثرات بعدی آن چگونه است؟ باید گفت؛ عدم تامل و تدبر در عاقبت امور سبب پذیرش یک تعریف غلط توسط مدیر تصمیم گیر می گردد. بعد از پذیرش تعریف غلط به طور معمول طاغوت های زمان برای تحقق و اجرای آن تعریف غلط به تصویر سازی آن در ذهن مدیران تصمیم گیر می پردازند. این تصویر سازی، تصمیم را برای اقدام و تحقق مناسک جدی می کند. اگر مناسک ایجاد شوند؛ منجر به اختصام و اصطکاک^{۱۱} می شود. چرا که این آثار و مناسک با انسان نسبتی نداشته و روابط انسانی را به چالش می کشد. حال با بررسی آثار و مناسک مبتنی بر تعاریف غلط می توان به صورت دقیق آن تعریف را شناسایی و از عوارض آثار و مناسک آن نیز در جهت تغییر آن در ذهن مدیران تصمیم گیر، استفاده نمود.

دوم؛ منشاء پیدایش تعاریف غلط

منشاء پیدایش تعاریف غلط از عواملی است که با تمرکز روی آن و در صورت امکان تذکر به اصلاح آن، شرایط را برای تغییر یک تعریف غلط در ضمیر مخاطب آماده کرد. از جمله این منشاء ها موارد زیر هستند:

الف. کسالت

بعضی مواقع به دلیل تبلی و کسالت افراد، تعاریف غلط مورد قبول و پذیرش ایشان قرار می گیرد. لذا برای تغییر آن می بایست اول کسالت و تبلی از وجود مدیر پاک شود.^{۱۲}

ب. عدم سعی

همیشه نمی توان افراد را محکوم به کسالت و تبلی نمود، گاهی او تبلی نیست ولی سعی کافی هم برای دستیابی به تعاریف درست و مبارزه با تعاریف غلط ندارد. لذا ارتقای سعی و تلاش در وی اولویت اول را دارد.^{۱۳}

ج. استضعاف (تسلط کفر)

استضعاف فکری به سبب تسلط کفر در جامعه و عدم دسترسی به منابع علمی دینی از طرف عموم مردم و مدیران از جمله منشاء های اصلی در گسترش تعاریف غلط در امت اسلامی است. لذا مبارزه با تسلط کفر و طاغوت برای رفع استضعاف و تغییر در تعاریف رایج یکی از اولویت هاست.^{۱۴}

۱۱. وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ نُومُودَ أَخَاهُمْ ضَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُم فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (النمل، ۴۵) همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزاع و دشمنی کردند.

۱۲. رَوَى عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَىٰ حَقِّي. [من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۱۶۹] امام صادق علیه السلام فرمود: زهار، زنهار از تبلی و کم حوصلگی چون این دو کلید همه بدبختیهاست زیرا شخص تبلی هیچ حقی را ادا نمی کند، آن کس که کم حوصلگی به خرج می دهد در اخذ یا ادای هیچ حقی پایدار نیست.

۱۳. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم، ۳۵) و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره ای] نیست.

۱۴. وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَئِدَادًا وَ اسْرُّوا أَلْدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَعْغَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْرُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سبأ، ۳۳) مستضعفان به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ های [بی گیر شما در] شب و روز که به ما فرمان می دادید به خدا کافر شویم و همتیانی برای او قرار دهیم [ما را گمراه کرد]. و هنگامی که عذاب را ببینند، اظهار پشیمانی کنند [شاید نجات یابند]. و ما در گردن کافران غل و زنجیر می نهیم؛ آیا جز آنچه را انجام می دادند جزا داده می شوند. مستضعف در بیان آیات قرآن به مفهوم کسی است که؛ اراده اش به اندازه نبش حاکم نباشد. و در مقابل مستکبر کسی است که؛ اراده اش را با اجبار به اراده دیگران حاکم می کند. (برای بررسی بیشتر به پیوست دوم [ادبی] مراجعه کنید.)

د. طینت

ما نمی توانیم با اتکاء به ظاهر افراد و تمسک به اعمال ایشان، خط بطلان به روی شخصیت مدیر تصمیم گیر کشیده و با ملاک طینت ناپاک و عدم ظرفیت پذیرش حق، از گفتگو و طرح موضوع با ایشان انصراف دهیم!

چرا که در مواردی اتفاقاً پاکی طینت و وجود ظرفیت کافی به دلیل دیگر عوامل مخرب مورد غفلت قرار گرفته است. لذا ممکن است با یک تلنگر، شکوفایی این امر را سبب شویم.^{۱۵}

ه. دوران شکل گیری شخصیت

گاهی اختلاف افراد در پذیرش یک تعریف درست و تغییر در تعریف غلط فقط به دلیل کسالت یا عدم سعی یا استضعاف یا طینت مخدوش نیست بلکه ممکن است به سبب دوران شکل گیری شخصیت افراد در زمان های گوناگون یا همان تربیت افراد باشد. ارزیابی این دوران شکل گیری را می توان از انعقاد نطفه شروع کرد.

سوم؛ مقدمات غیر بیانی طرح تعاریف (کسب منزلت)

یکی از عوامل اصلی در تغییر تعاریف غلط؛ منزلت گوینده در چشم مدیر تصمیم گیر است. لذا تا ما کسب منزلت نکرده باشیم، حرف ما در مخاطب موثر نخواهد بود. باید یادآور شد این کسب منزلت الزاماً بیانی و لسانی نیست. پس ما در اینجا با پرداختن به مقدمات غیر بیانی طرح تعاریف، شرایط را برای تاثیر بیشتر در مخاطب آماده می کنیم.

از جمله این مقدمات غیر بیانی موارد زیر هستند:

الف. سکوت

سکوت اولین مقدمه در کسب علم و افاضه آن است. البته نقش سکوت در کسب علم واضح بوده و مشخص است که قبل از "حسن الاستماع"^{۱۶} باید صمت و سکوت محقق شود. ولی سوال اینجاست که چرا برای افاضه علم هم باید با سکوت شروع کرد؟

۱۵. وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ. فَالْحَيُّ الْمُؤْمِنُ الَّذِي تَخْرُجُ طِينَتُهُ مِنْ طِينَةِ الْكَافِرِ وَ الْمَيِّتُ الَّذِي يُخْرُجُ مِنَ الْحَيِّ هُوَ الْكَافِرُ الَّذِي يُخْرُجُ مِنْ طِينَةِ الْمُؤْمِنِ فَالْحَيُّ الْمُؤْمِنُ وَ الْمَيِّتُ الْكَافِرُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ فَكَانَ مَوْتُهُ اِخْتِلَاطَ طِينَتِهِ مَعَ طِينَةِ الْكَافِرِ وَ كَانَ حَيَاتُهُ حِينَ فَرَّقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُمَا بِكَلِمَتِهِ كَذَلِكَ يُخْرِجُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْمُؤْمِنَ فِي الْمِيلَادِ مِنَ الظُّلْمَةِ بَعْدَ دُخُولِهِ فِيهَا إِلَى الثَّوْرِ وَ يُخْرِجُ الْكَافِرَ مِنَ الثَّوْرِ إِلَى الظُّلْمَةِ بَعْدَ دُخُولِهِ إِلَى الثَّوْرِ - وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ. [أصول الكافي / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۶]

امام صادق علیه السلام: ... و نیز خدای عز و جل فرماید: «خدا زنده را از مرده بیرون آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است. مقصود از زنده همان مؤمن است که طینت او از طینت کافر بیرون آید و مقصود از مرده ای که از زنده بیرون شود، کافر است که از طینت مؤمن بیرون شود، پس زنده مؤمن است و مرده کافر.

اینست که خدای عز و جل فرماید: «آیا کسی که مرده است و سپس ما او را زنده کنیم. ۱۲۲ / سوره الانعام» پس مقصود از مردن مؤمن، آمیختگی طینت او با طینت کافر است و زندگی او زمانی است که خدای عز و جل بوسیله کلمه خود (جبرئیل) آنها را از یک دیگر جدا ساخت. خدای عز و جل این گونه مؤمن را در زمان ولادتش پس از آنکه در تاریکی بود، خارج میکند و بسوی نور میبرد و کافر را پس از آنکه در نور باشد خارج میکند و بسوی تاریکی میبرد، اینست معنی گفتار خدای عز و جل «تا آنکه را زنده است بیم دهد و گفتار (وعده و فرمان خدا) بر کافران ثابت گردد. ۷۰ / سوره یس».

۱۶. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. [آیه ۱۸ سوره زمر] به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ لَهُ وَ التَّوْقِيرِ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ وَ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثْ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذَكَرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ وَ أَنْ تُشْتَرَّ عَيْبُوهُ وَ تَظْهَرَ مَنَاقِبُهُ وَ لَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَ لَا تُعَادِي لَهُ وَلِيًّا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَنَّكَ قَصِدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمَلِكِ فَأَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تُعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يُسْخِطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. [من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۲۰] ادامه در صفحه بعد ...

سکوت باعث کسب محبت می شود و این محبت لازم است تا ما بتوانیم از معادله " رفق × فکر ^{۱۷} " به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم. ^{۱۸} با سکوت می توان نقطه مشترک خوبی را برای آغاز گفتگوها پیدا کرد.

سکوت نشانه عقل است و این برای مخاطب ما قابل تشخیص است. ^{۱۹}

ب. نمونه سازی

در بسیاری از مواقع، انجام موردی یک موضوع یا ایجاد یک نمونه هر چند کوچک از امری، بسیار کار سازتر از ساعت ها بحث و گفتگو است و می تواند به تنهایی برای شخص عامل کسب منزلت نماید.

ادامه از صفحه قبل؛

امام سجاد علیه السلام: و حق کسی که سیاست تعلیم تو را بر عهده دارد اینست که او را بزرگ شماری، و محضرش را موقر داری، و با دقت بسخانش گوش بسپاری، و روی خود را بسوی او کنی، و صدای خود را بروی او بلند ننمایی، و چون کسی چیزی از او بپرسد، تا او جواب نگوید جواب ندهی، و در محضر او با کسی سخن نگوئی، و نزد او بغیبت کسی زبان نگشائی، و چون پیش تو از او بدگوئی کنند از او دفاع کنی، و عیوب او را بپوشانی، و صفات نیکش را پدیدار سازی، و با دشمنش همنشین نشوی، و دوستی از آن او را بدشمنی نگیری. پس چون این وظائف را در باره او انجام دادی فرشتگان خدای عزّ و جلّ در بارهات گواهی میدهند که در فراگرفتن علم، طالب خشنودی خدا بوده ای، و علم آن معلم را، نه برای مردم، که برای خدا جلّ و عزّ اسمه فرا گرفته ای.

۱۷. تحریک فکر؛ مهمترین اقدام عملیاتی ما است. چرا که حل مساله یا پاسخ به نظام مسائل منوط به طرح درست مساله و فهم سوال یا سوالات است. حال اگر این تحریک فکر همراه با رفق باشد یا در اصطلاح "معادله رفق × فکر" شود، اختیار مخاطب صلب نشده و انسانیت به چالش کشیده نمی شود. تشریح معادله رفق × فکر در بیان حجت السلام علی کشوری:

دسته اول خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی؛ خسارت های تربیتی و فکری است؛ این دسته از خسارت ها اگر نادیده گرفته شوند به فرآیند شکل گیری شخصیت انسان ضربه سنگینی وارد می کنند و چالشهای تربیتی و فکری عامل اصلی چالش در رفاه و تکامل انسانها محسوب می شود. توضیح بیشتر اینکه: توری های توسعه به دو طریق رفاه و تکامل انسان ها را به چالش می کشند:

اول آنکه به تدریج نقش تربیتی و تمدنی بانوان و آقایان را به نقش اقتصادی محض تنزل می دهند و این به معنای تزلزل در جایگاه بی بدیل خانواده است. کاهش "عمق محیط دریافت رفق افراد" نتیجه اصلی تزلزل خانواده و زمینه اصلی ایجاد اختلال های عاطفی، فکری و رفتاری در انسان مدرن است.

دوم آنکه توسعه غربی سطح فکر افراد را به تفکرات پوزیتیویستی محدود کرده و از پردازش اجتماعی سایر ابعاد فکر جلوگیری می کند. از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ برای بهبود روابط انسانی ضرورت دارد تا "وعاء فکر" در پنج سطح: ۱- تامل ۲- تعقل ۳- تدبر ۴- تجرب و ۵- تفقه پردازش اجتماعی شود؛ که هر کدام از این سطوح فکری نتیجه ای مشخص در بهبود روابط انسانی دارد. خلاصه سخن آنکه معادله اصلی پیشرفت اسلامی رفق × فکر است و محاسبات معیوب توسعه این معادله را به دلیل عدم درک به صورت مکرر و دائمی نقض می کند. جناب آقای روحانی؛ رفاه و تکامل جامعه را بدون رعایت "معادله رفق × فکر" تصور کرده اید؟! [بخشی از نامه حجت السلام علی کشوری به دکتر حسن روحانی]

۱۸. مُحَمَّدٌ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجَلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ یُكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ. [أصول الكافي / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۱۷۴] امام رضا علیه السلام: از نشانه های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است، همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می آورد و راهنمای هر امر خیری میباشد. (زیرا انسان با تفکر بهر خیری میرسد و خاموشی موجب و مزید تفکر است).

۱۹. يَا هَسَامُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّقْوَى الصَّمْتُ. [أصول الكافي / ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص: ۱۹] امام صادق علیه السلام: ای هشام- برای هر چیز رهبری است و رهبری عقل اندیشیدن و رهبر اندیشیدن خاموشی است.

ج. تحقیر نظم موجود

از دیگر مقدمات غیر بیانی طرح تعاریف؛ تحقیر نظم موجود به صورت های گوناگون است. کسی که با شرایط جبری حاکم همراهی نکرده و شرایط خود را برای حفظ آزادی به سختی انداخته است در چشم مخاطبان ارزشمند شده و منزلت لازم کسب می شود.^{۲۰}

چهارم؛ دعوت مخاطب به آماده سازی قوه دریافت (تزکیه)

تا قوه دریافت آدمی برای کسب علم آماده نشود، آمادگی لازم برای قبول تعریف درست و افاضه علم محقق نمی شود. لذا آماده سازی قوه دریافت در آیات و روایات ما بسیار مورد تاکید بوده و با اصطلاح تزکیه از آن یاد می شود.

از مواردی که باعث تزکیه می شود موارد زیر است:

الف. مصرف طیبات^{۲۱}

ب. انجام سفر^{۲۲}

ج. پرداخت صدقه^{۲۳}

۵. تصمیماتی برای تحقق دوران پردازش

برای تحقق مرحله و دوران پردازش با توجه به ملاحظات فوق الذکر نیازمند اقدامات زیرساختی زیر هستیم تا بتوانیم به معنای واقعی کلمه برای تعاریف غلط، ایجاد چالش همه جانبه کرده و تعریف درست را طرح کنیم.

طراحی و تاسیس سامانه نگارش گزارش راهبردی

ما در این سامانه با احصاء تصمیمات غلط مبتنی بر تعاریف غلط تحت قالب "گزارش های راهبردی"^{۲۴} سعی می کنیم به صورت مکتوب، نیاز مدیران تصمیم گیر به تحلیل درست از عاقبت اخذ تصمیم را بر طرف سازیم.

۲۰. إِيَّاهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: فَكَانَ يُعَلِّقُ فِي أَعْنَاقِهَا الْخَيْوُطَ - وَيَجُرُّهَا عَلَى الْأَرْضِ وَيَقُولُ مَنْ يَشْتَرِي مَا [لَا] يَصُرُّهُ وَ لَا يَنْقَعُهُ... [تفسير القمي، ج ۱، ص ۲۰۷] امام صادق عليه السلام: پس ابراهيم بر گردن آنها طناب می بست و آنها را بر روی زمین می کشید و می گفت چه کسی آن چیزی را که به او ضرر و نفعی نمی رساند را می خرد؟

۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (المؤمنون، ۵۱) ای پیامبران! از خوردنی های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می دهید، دانایم.

۲۲. وَقَالَ النَّبِيُّ ص سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْمَلُوا مَالاً أَفَدْتُمْ عَقْلًا. [مكارم الأخلاق / ترجمه میرباقری، ج ۱، ص: ۴۵۸] و فرمود: مسافرت کنید که اگر مالی بدست نیارید بهره عقلانی میبیرید.

۲۳. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (التوبة، ۱۰۳) از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می کنی، و آنان را رشد و تکامل می دهی؛ و [به هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست.

۲۴. برای آشنایی بیشتر با نحوه نگارش گزارش راهبردی به کانال دوره های مباحثاتی الگوی پیشرفت اسلامی: https://eitaa.com/d_olgou4 مراجعه کنید.

طراحی و تاسیس سامانه نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت

سامانه نمایشگاه مقدمه تاسیس بانک سوالات نظام است که با تحقق آن بستر گفتگوهای ملی و بین المللی با محوریت قم (مرکز علوم اهلیت علیهم السلام) ایجاد می شود.

طراحی و تاسیس سامانه انتشار اخبار الگوی پیشرفت

این سامانه مبتنی بر "الگوی تنظیم و تحلیل خبر"^{۲۵} شکل گرفته و در راستای افاضه علم از قم به سایر بلاد فعالیت می کند.

۲۵. الگوی تنظیم و تحلیل خبر ذیل نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی تحت قالب چهار سر فصل زیر بیان می شود:

اول؛ توصیف و نقد روش رایج تنظیم خبر دوم؛ غایت قریب و بعید (اهداف تنظیم خبر) سوم؛ صور عام (صور نگارش) چهارم؛ صور خاص (صور انتشار)

۱. توصیف و نقد روش رایج تنظیم خبر

اولین بحث در روش رایج تنظیم خبر، پرداختن به تعریف خبر است که این امر از دو منظر دچار اشکال است؛

یک؛ تعدد تعارف

"بیان پدیده"، "نقل عقاید و افکار عمومی" و دیگر مثال ها در تعریف خبر حاکی از ضعف و اشکال در تک تک تعاریف خبر است. لذا اولین اشکال ما در تعریف خبر در روش رایج تنظیم خبر، همین تعدد تعاریف است.

دو؛ عدم نیاز به تعریف مفاهیم پایه

در واقع باید گفت اصل تعریف از مفاهیم پایه ای نظیر رفق، خوبی، حیات، خبر و ... که در میان عامه مردم قابل فهم است، کار عبث و بی فایده ای است. لذا دومین اشکال ما به اصل تعریف مفاهیم پایه از جمله مفهوم خبر است.

دومین بحث در روش رایج تنظیم خبر، پرداختن به ارزش های خبری است که این امر نیز یک اشکال اساسی دارد.

اما قبل از پرداختن به اشکال آن، به معرفی این ارزش های خبری می پردازیم؛

۱. دربرگیری (IMPACT). شهرت (FAME) ۳. برخورد (CONFLICT) ۴. مجاورت (PROXIMITY)

۵. فراوانی (MAGNITUDE) ۶. شگفتی و استثناء (ODDITY) ۷. تازگی (TIMELINES)

یعنی مطلبی که یکی یا چند مورد فوق را شامل می شود ارزش خبر شدن پیدا می کند.

حال اشکال اساسی به این ارزش های خبری در روش رایج تنظیم خبر این است که تمام موارد فوق می تواند معارض برخی از اصول مسلم ما مانند؛ اصل تحکیم روابط انسانی، عدم تمرکز در تصمیم گیری، عدم اشاعه فحشاء و ... قرار بگیرد.

لذا در الگوی تنظیم و نشر خبر ذیل نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی حرفی از ارزش های خبری به میان نیامده و تنظیم خبر بر اساس قواعد دیگری صورت می پذیرد.

۲. اهداف تنظیم خبر؛ غایت قریب و بعید

هدف گذاری در تنظیم خبر اساسی ترین بخش در الگوی تنظیم و نشر خبر است. لذا ما در تنظیم هر خبر دو هدف نزدیک و دور را تحت عنوان غایت قریب و بعید در نظر می گیریم.

غایت قریب یا هدف نزدیک ما در تنظیم خبر؛ تحریک فکر است. این تحریک فکر نشانه ای دارد که آن ایجاد سوال در ذهن مخاطب است.

غایت بعید یا هدف دور ما هم در تنظیم خبر؛ تحقق هدایت برای رسیدن به نظم اختیاری در جامعه است.

۳. "صور عام" (صور نگارش)

صور یا شکل نگارش و تنظیم خبر با توجه به سه مورد زیر محقق می شود؛

اول؛ حسن السؤال

در واقع اگر خبر حاوی حسن السؤال یا جوابی برای حسن السؤال نباشد، ارزش خبری ندارد!

دوم؛ وضع اصطلاحات

در واقع زمانی خبر در ذهن مخاطب شما ثبت می شود که آن خبر با اصطلاحات خاص شما تنظیم و به نگارش درآمده باشد.

سوم؛ درج ارجاعات

در واقع فاصله مابین سخن راست و دروغ در ذهن مخاطب، مشخص شدن انتسابات و ارجاعات در متن خبر است.

با رعایت سه مورد فوق در تنظیم و نگارش خبر، صور عام یا صور نگارش خبر محقق شده و خبر شکل پیدا می کند.

ادامه در صفحه بعد...

طراحی و تاسیس سامانه تدوین محصولات الگوی پیشرفت

سامانه تدوین مکتوبات برای تولید و نشر منظم مکتوبات نه گانه زیر طراحی و تاسیس می شود:

۱. نمودار پژوهشی ۲. جزوه تولد نظریه ۳. پیشخوان ۴. دوره مباحثاتی ۵. گزارش راهبردی ۶. پیاده فوری ۷. راهنمای کارشناسان ۸. گزارش جلسات ارتباطی ۹. آلبوم گزارش جلسات

البته گزارش های راهبردی به صورت ویژه ای در سامانه اول نیز مدیریت می شوند.

طراحی و تاسیس سامانه تضارب مفاهیم الگوی پیشرفت

سامانه تضارب^{۲۶} برای برگزاری منظم جلسات چهارگانه زیر طراحی و تاسیس می شود:

۱. تضارب یا نشست های پژوهشی برای تعارف با نخبگان.
۲. تضارب یا نشست های ارتباطی برای پرورش تصاویر با فعالان موثر و مسئولین.
۳. تضارب یا نشست های ترویجی برای پرورش تصاویر با عموم مردم.
۴. تضارب یا نشست های تصمیم ساز و طراحی نهایی برای پردازش و نمونه سازی.

طراحی و تاسیس سامانه نمونه سازی

این سامانه متکفل اجرای نمونه های از تحقق نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است تا اجرای آن الگوسازی مناسبی را برای دیگران رقم بزند.

ادامه از صفحه قبل؛

۴. "صور خاص" (صور انتشار)

صور یا شکل انتشار خبر بر خلاف روش رایج که تاکید بر نشر حداکثری خبر دارد و با شعار عوام فریبانه ی "دانستن حق مردم است" سعی در تحقق آن می نماید؛ بر انتشار مبتنی بر اصل "اهلیت" پافشاری می کند.

در واقع در اصل اهلیت ما به انتشار خبر فقط به اهل آن توجه می کنیم و از انتشار به صورت پروپاگاندا جدا پرهیز می نمایم.

برای تعارف و انتخاب شخص اهل؛ باید از ملاک اینار در مال و وقت استفاده نمود.

شخص اهل نیز موارد زیر را در انتشار خبر در نظر می گیرد:

اول؛ رعایت امانت در انتشار خبر و حفظ اصل کلام و عدم اضافه کردن تحلیل یا قضاوت شخصی به اصل خبر.

دوم؛ انتشار خبر توسط اهل به دیگر افراد صاحب اهلیت.

۲۶. اضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ. [عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص: ۹۱]

بيوست ها

بيوست اول؛

الخواجة نصير الدين الطوسي؛ الحد قول دال على ماهية الشيء:

هذا حد الحد وقد يرسم بأنه قول يقوم مقام الاسم المطابق في الدلالة على الذات، والحد، منه تام يشتمل على جميع المقومات كقولنا للإنسان إنه حيوان ناطق، ومنه ناقص يشتمل على بعضها إذا كان مساويا للمحدود كقولنا له إنه جسم أو جوهر ناطق، والتام لا يكون إلا واحداً، وأما الحدود الناقصة فكثيرة يفضل بعضها على بعض بحسب ازدياد الأجزاء، وأيضا منه ما يكون بحسب الاسم، ومنه ما يكون بحسب الماهية كما مر والمراد هاهنا هو الذي بحسب الماهية، واسم الحد يقع على التام والناقص بالاشتراك، لأن التام دال على الماهية بالمطابقة كالاسم إلا أن الاسم مفرد والحد مؤلف، والناقص دال عليها لا بالمطابقة بل بالالتزام ويقع على الحدود الناقصة بالتشكيك لأن المشتمل على أجزاء أكثر أولى بهذا الاسم من المشتمل على أجزاء أقل فإذا أطلق هذا الاسم فالواجب أن يحمل على التام الذي هو الحد الحقيقي وحده، وإياه عنى الشيخ في هذا الفصل. [شرح الإشارات والتنبيهات (مع المحاكمات) جلد: ١ صفحہ: ٩٥]

ابن سينا؛ في أصناف التعريف:

التعريف هو أن يقصد فعل شيء إذا شعر به شاعر تصور شيئا ما هو المعرف وذلك الفعل قد يكون كلاما وقد يكون إشارة. والتعريف الذي يكون بالكلام إما أن يكون بكلام لا واسطة بينه وبين ما يتصور من جهته على النحو الذي يتصور من الكلام فيكون ذلك على سبيل دلالة اللفظ على معناه وإما أن يكون بكلام بينه وبين ما يتصور من جهته واسطة ويكون ذلك على سبيل دلالة لفظ وصف الشيء ونعته عليه فيدل اللفظ دلالة اللفظية على معنى فإذا دل على ذلك دل بتوسط ذلك المعنى على المعنى المقصود بالتصوير لأن الذهن من شأنه أن ينتقل من ذلك المعنى وحده أو مع قرينة إلى المعنى المقصود بالتصوير وذلك المعنى في أول الأمر إما أن يكون من قبيل ما يحمل على الشيء أو من قبيل ما لا يحمل على الشيء لكن تصوره ملتزم لتصور الشيء فإذا تصور ذلك المعنى يمثل في النفس المعنى الذي يلزمه مثل تصور الأب عند ذكر الابن وتصور المحرك عند ذكر المتحرك عند من يصدق أن لكل متحرك محركا. وهذا القسم وإن دخل فيما نحن بسبيله من وجه فيجب أن يفرد لفظ التعريف لما يكون المقصود به تمثيل الشيء في الذهن من جهة محمولاته وأما الذي يتمثل تابعا لتمثل من غير أن تكون العادة جارية بأن يراد في تمثيله وتصويره تمثيل ذلك وإن كان يتمثل ويتبع فليفرده له اسم آخر. والتعريف الذي يكون بالمحمولات فقد يكون بمحمول مفرد إذا كان ذلك المحمول خاصا بالشيء وقد يكون بمحمولات تركيب معا وكل واحد قد يكون بمحمول مقوم وقد يكون بغير مقوم بل لازم أو عارض.

والتعريف بالعارض لا يليق إلا في زمان ما ولشخص ما وأما المعنى الكلي فليس تلحقه العوارض إلا بالعرض وبسبب إشخاصه الجزئية وأما كون الشيء بحيث يعرض له ذلك العارض فهو أمر لازم غير عارض فالمعاني التي تتناولها العلوم هي المعاني الكلية وما يجري مجراها ويدخل في حكمها فيبقى إذن أن التعريف المفرد أو المركب بحسب العلوم إما أن يكون بمقوم أو لازم والتعريف المفرد بالمقوم هو تعريف الشيء بفصله فإن الجنس مشترك فيه لا يشير إلى ما هو نوعه فلا يقع به تعريف نوعه بوجه من الوجوه وحال من الأحوال وإن توهم بعض الناس أنه قد يقع به تعريف ما وبالجملة أن التعريف يقتضي التخصيص لا غير والتعريف المفرد باللازم هو التعريف بالخاصة فإن اللازم العام في أنه مشترك لا يشير إلى جزئياته حال الجنس.

والتعريف المركب بالمقوم هو الذي إذا وجدت شرائط نقولها كان حدا محققا وإن تساوى وقد بعض الشرائط كان حدا خداجا أو كان جزء حد.

والتعريف المركب لا من المقوم الصرف هو الذي إذا وجد شرائط نوردها كان رسما محققا وإن نقصه بعضها كان رسما خداجا.

وكل تعريف مركب مساو ومن مقومات فهو حد تام أو جزء حد وحد خداج فإن المقومات محققة الوجود للشيء وبينه له فإنها أجزاء لماهيته ومحال أن تدخل ماهيته في الذهن ولم تدخل معه أجزاءه ومقوماته فإذا دخلته أجزاءه ومقوماته كانت حاصلة معه في الذهن وليس كل حاصل في الذهن متمثلا فيه بالفعل دائما بل هو الذي إذا التفت إليه وجد حاضرا وقد يصد عنه إلى غيره ولا يكون حاله حال المجهول المطلق بل يكون كالمخزون المعرض عنه وأما كيفية هذا فليطلب من علم النفس.

ونحن نشير في حصول أجزاء الماهية مع الماهية إلى هذا النحو من الحصول فإذا أخطر بالبال لم يغفل الذهن عن وجوده للماهية إلا أن يعرض عنه ولا يخطره بالبال وحين يعرف به الشيء فقد تصدى لإخطاره بالبال فلا يجوز أن يكون مجهول الوجود للماهية.

فيجب إذن إذا كان موجودا للماهية وقد دل بجميع المقومات العامة والخاصة على نفس الماهية أن لا تبقى شبهة البتة وتتمثل معها الماهية المجموعة عنها في الذهن حاضر الجملة والأجزاء ويتمثل ما لو أصلح إصلاحا ما تتمثل معه الماهية. [منطق المشركين جلد: ١ صفحہ: ٢٩]

پیوست دوم (پیوست ادبی):

مستضعف در بیان آیات قرآن به مفهوم کسی است که؛ اراده اش به اندازه نیت اش حاکم نباشد. و در مقابل، مستکبر کسی است که؛ اراده اش را با اجبار به اراده دیگران حاکم می کند.

برای نمونه آیات زیر را ملاحظه کنید:

۱. وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (النساء، ۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته اند] نمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.

۲. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلَوْا فِيهِمْ كُتُبًا مَّا تَسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ فَأَلَوْا أَنَّهُمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا (النساء، ۹۷)

قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می کنند، به آنان می گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است.

۳. إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (النساء، ۹۸)

مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که [برای نجات خود از محیط کفر و شرک] هیچ چاره ای ندارند، و راهی [برای هجرت] نمی یابند.

۴. وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يَنْبَغِي عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي بَنَائِي النِّسَاءِ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَكُونُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (النساء، ۱۲۷)

درباره [حقوق ازدواج و نیز ارث] زنان از تو فتوا می خواهند. بگو: فقط خدا درباره آنان [مطابق با آیاتی که در اوایل همین سوره گذشت] به شما فتوا می دهد، و درباره دختران یتیمی که حقوق لازم و مقرر آنان را نمی پردازید، و [به قصد خوردن اموالشان] میلی به ازدواج با آنان دارید، برابر احکامی که در این کتاب بر شما خوانده می شود به شما فتوا می دهد. و [نیز درباره] کودکان مستضعف [ی که حقوق مالی و انسانی آنان را پایمال می کنید، مطابق احکامی که در قرآن بر شما تلاوت می شود به شما فتوا می دهد]. و [نیز سفارش می کند] که با یتیمان به عدالت رفتار کنید؛ و آنچه را [درباره زنان، دختران یتیم و کودکان مستضعف] از هر خیری انجام می دهید، یقیناً خدا همواره به آن داناست.

۵. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ ضَالِحًا مُرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ فَأَلَوْا إِنَّا بِنَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (الأعراف، ۷۵)

اشراف و سران قومش که تکبر و سرکشی می ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده؟ گفتند: به طور یقین ما به آیینی که فرستاده شده مؤمنیم.

۶. وَ أَوْزَيْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْخَسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَرَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فُرْعُونَ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (الأعراف، ۱۳۷)

و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبونشان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشیدیم؛ و وعده نیکوتر و زیباتر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی ها و بلاها] کردند تحقق یافت، و آنچه را که همواره فرعون و فرعونیان [از کاخ و قصرهای می ل] و سایه بان های خوش نشین می افراشتند، نابود کردیم.

۷. وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوا يَفْتُلُونَنِي فَلَا تَلْمِزْ يَبِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الأعراف، ۱۵۰)

و هنگامی که موسی [پس از آگاهی از آن پیش آمد خطرناک] خشمگین و بسیار اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: پس از من بد جانشینانی برابم بودید، آیا [با پرستش گوساله] بر فرمان پروردگارتان [که در تورات آمده] پیشی گرفتید [و صبر نکردید تا من بیایم و فرمان خدا را به شما ابلاغ کنم؟] و الواح را افکند و سر برداش را گرفت [و با خشم] او را به سوی خود می کشید. [هارون] گفت: ای فرزند مادرم! این گروه مرا ناتوان و زیون شمردند، و نزدیک بود مرا به قتل برسانند، پس مرا با مؤاخذه کردن دشمن شاد مکن، و [هم طراز] با گروه ستمکاران قرار مده.

۸. وَ أَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَفَكُمْ الْإِنْسَانُ فَأَوْآكُمُ وَ أَيْدِيكُمْ يَبْصُرُهُ وَ زُرْقَتُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (الأنفال، ۲۶)

و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زیون شمرده می شدید، و همواره می ترسیدید که مردم [مشرك و کافر] شما را برابند [تا شکنجه و آزار دهند و نابود کنند] پس خدا شما را [در شهر مدینه] جای داد و با یاریش نیرومندان ساخت، و از [نعمت های] پاکیزه اش به شما روزی بخشید تا سپاس گزاری کنید.

۹. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (القصص، ۴)

همانا فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زیون گرفت، پسرانشان را سر می برید، و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود.

۱۰. وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (القصص، ۵)

و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های بارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم.

۱۱. وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَأَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (سبا، ۳۱)

و کافران گفتند: ما به این قرآن و کتاب هایی که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نمی آوریم. و اگر ستمکاران را زمانی که در پیشگاه پروردگارشان [برای محاکمه] بازداشت شده اند، ببینی در حالی که هر کدام گناه و بدبختی خود را بر عهده دیگری می اندازد [امر عجیبی می بینی] مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما سر راه ما نبودید یقیناً ما مؤمن بودیم.

۱۲. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنْ تَحْنُ صَدْدُنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (سبا، ۳۲)

مستکبران به مستضعفان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آنکه به شما رسید باز داشتیم؟ [نه، باور نداریم] بلکه شما خودتان می رم بودید.

۱۳. وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَعْلَاقَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْرُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سبا، ۳۳)

مستضعفان به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ های [پی گیر شما در] شب و روز که به ما فرمان می دادید به خدا کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم [ما را گمراه کرد]. و هنگامی که عذاب را ببینند، اظهار پشیمانی کنند [شاید نجات یابند]. و ما در گردن کافران غل و زنجیر می نهیم؛ آیا جز آنچه را انجام می دادند جزا داده می شوند.

منابع

۱. قرآن کریم / مترجم: انصاریان، حسین / نشر اسوه / سال چاپ: ۱۳۸۳ قم
۲. الکافی / مؤلف: کلینی، محمد بن یعقوب (متوفی ۳۲۸ ق) / ناشر دار الکتب الإسلامیه تهران.
۳. من لا یحضره الفقیه / مؤلف: ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۳۸۱ ق؛ محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر / دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.
۴. عیون الحکم و المواعظ (للشی) / مؤلف: لیثی واسطی، علی بن محمد (متوفی قرن ۶ ق)؛ محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین / ناشر دار الحدیث / سال چاپ: ۱۳۷۶ ش قم.
۵. مکارم الأخلاق / مؤلف: طبرسی، حسن بن فضل (متوفی قرن ۶ ق)؛ مترجم: میر باقری، ابراهیم / ناشر فراهانی / سال چاپ: ۱۳۶۵ ش تهران، نوبت چاپ: دوم.
۶. تفسیر القمی / مؤلف: قمی، علی بن ابراهیم (متوفی قرن ۳ ق)؛ محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب / ناشر دارالکتاب / سال چاپ: ۱۴۰۴ ق قم.
۷. شرح الإشارات و التنبیها (مع المحاکمات) / مؤلف: الطوسی، الخواجه نصیر الدین.
۸. منطق المشرفیین / مؤلف: ابن سینا (متوفی ۴۲۸ ق) / ناشر مرعشی نجفی
۹. پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir

فهرست تفصیلی

۵	۱. مقدمه	۵
۵	تالیف جزوه تولد نظریه	۵
۶	۲. جایگاه دوران پردازش در افق نمایی الگوی پیشرفت اسلامی	۶
۶	دوران ثبت	۶
۶	دوران تحلیل	۶
۶	دوران پردازش	۶
۷	۳. تعریف دوران پردازش	۷
۷	ایجاد چالش همه جانبه برای تعاریف غلط و طرح تعریف درست	۷
۷	۴. تصویری از چگونگی دوران پردازش	۷
۷	مفهوم تعریف از چهار منظر	۷
۷	تعاریف در فقه هدایت	۷
۸	تعاریف عرفی	۸
۸	تعاریف در منطق یونانی	۸
۸	تعاریف در تفکر مدرن	۸
۹	عوامل موثر بر فرآیند تغییر در تعاریف	۹
۹	اول؛ آثار و مناسک مبتنی بر تعاریف غلط	۹
۹	دوم؛ منشاء پیدایش تعاریف غلط	۹
۹	الف. کسالت	۹
۹	ب. عدم سعی	۹
۹	ج. استضعاف (تسلط کفر)	۹
۱۰	د. طینت	۱۰
۱۰	هـ. دوران شکل گیری شخصیت	۱۰
۱۰	سوم؛ مقدمات غیر بیانی طرح تعاریف (کسب منزلت)	۱۰
۱۰	الف. سکوت	۱۰
۱۱	ب. نمونه سازی	۱۱
۱۲	ج. تحقیر نظم موجود	۱۲
۱۲	چهارم؛ دعوت مخاطب به آماده سازی قوه دریافت (تزکیه)	۱۲
۱۲	الف. مصرف طبییات	۱۲
۱۲	ب. انجام سفر	۱۲
۱۲	ج. پرداخت صدقه	۱۲
۱۲	۵. تصمیماتی برای تحقق دوران پردازش	۱۲
۱۲	طراحی و تاسیس سامانه نگارش گزارش راهبردی	۱۲
۱۳	طراحی و تاسیس سامانه نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت	۱۳
۱۳	طراحی و تاسیس سامانه انتشار اخبار الگوی پیشرفت	۱۳
۱۴	طراحی و تاسیس سامانه تدوین محصولات الگوی پیشرفت	۱۴
۱۴	طراحی و تاسیس سامانه تضارب مفاهیم الگوی پیشرفت	۱۴
۱۴	طراحی و تاسیس سامانه نمونه سازی	۱۴

دوران پردازش؛

دوران ایجاد چالش همه جانبه برای تعاریف غلط و طرح تعریف درست!



مسیرهای ارتباطی؛

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه: www.nro-di.blog.ir

کانال «الگو» در پیام رسان ایتنا: @olgou4